

## پاسخ به نقد مقاله عبدالکریم جیلی و رمان انسان کامل!

ویراستاری علمی شده (مدارک و گواهی‌های لازم نزد مترجمین موجود است) و در اواخر خردادماه ۷۸ جهت چاپ به ناشر تحویل گردیده است. ناشر با وجود این که قول داده بود کتاب را حداکثر دو ماهه چاپ و منتشر نماید ولی نه تنها نسبت به چاپ آن در مدت مذکور اقدام ننموده، بلکه بدون اطلاع مترجمان آن را به ویراستاران دیگری سپرده و پس از قریب یکسال و نه ماه آن را چاپ نموده است. ناشر مذکور قبل از چاپ حتی کتاب را برای تطبیق به مترجمان عودت نداده است و از این که در این فاصله چه بر سر ترجمه ما رفته و چه دستکاری‌هایی شده بی‌خبر ماندیم. در همین فاصله بود که کتاب تصوف چیست؟ مارتین لینگز با تغییر نام اصلی به صورت عرفان اسلامی چیست؟ توسط شخص دیگری (خانم راسخی) ترجمه و به چاپ رسیده است (اسفند ماه ۱۳۷۸). لذا این که منتقد محترم تصور کرده‌اند ترجمه کتاب تصوف چیست؟ توسط ما، یک ترجمه تکراری است و بعد از ترجمه کتاب عرفان اسلامی چیست؟ انجام شده، بی‌مورد و نادرست است.

۳- نمونه شماره ۱: منتقد محترم ترجمه ش. م. در جمله Used to pray a prayer که در آن ذکر را برای prayer به کار برده‌ایم، اشتباه دانسته و کلمه دعا در ترجمه (ر) را برای آن درست می‌داند، و در توضیح عنوان نموده که prayer به معنی ذکر نیامده است. باید نظر ایشان را به این نکته جلب نماییم که بسیاری از لغات فارسی و عربی در متون عرفان اسلامی در زبان انگلیسی مترادفی ندارند و مترجم ناگزیر از به کار بردن متشابهاتی از آن لغات با حوزه معنایی مشترک است. از جمله prayer در زبان انگلیسی اغلب برای نماز و بعد برای دعا به کار می‌رود، ولی اگر به کتب معتبری که از عرفان اسلامی به زبان انگلیسی ترجمه شده مراجعه شود، متوجه خواهید شد که «ذکر» را در مواقعی که به‌طور مکرر انجام می‌گردد به prayer برگردانده‌اند. لذا ایراد ایشان در این مورد صحیح نیست و ذکر هم می‌تواند مشتمل بر کلمه یا چندین کلمه پی‌درپی باشد که ظاهراً به صورت دعا جلوه‌گر می‌شود.

۴- نمونه شماره ۲: ایشان مرقوم داشته‌اند که The deep of the ocean در ترجمه (ر) عمق دریا درست است و نه اقیانوس که در ترجمه ش. م. آمده است. باید اذعان نمود که در مورد Ocean ترجمه ش. م. درست است زیرا دریا معادل Sea است و نه Ocean. اما اینکه ترجمه کلمه deep به معنای عمیق در ترجمه ش. م. از قلم افتاده، درست است و در این مورد از منتقد محترم تشکر می‌کنیم.

۵- نمونه شماره ۳: ایشان در ترجمه The End ترجمه (ر) را که «غایتی» ترجمه شده است، قبول دارند و نه «غایت» که در ترجمه ش. م. آمده است. باید متذکر شویم که وقتی چنین اسمی با حرف بزرگ نوشته می‌شود منظور خداست و اسم خاص او است. بنابراین «غایت» یعنی ترجمه (ش. م.) صحیح است؛ با این تفاوت که می‌بایستی غایت با حرف پرنرنگ تر و یا حروف کج نوشته می‌شد که برای خواننده ایجاد شبهه ننماید.

۶- نمونه شماره ۵: گاهی برای بهتر مشخص شدن مفهوم جمله، مترجم ناچار از عاریه گرفتن کلمه‌ای

ویراستاری علمی شده (مدارک و گواهی‌های لازم نزد مترجمین موجود است) و در اواخر خردادماه ۷۸ جهت چاپ به ناشر تحویل گردیده است. ناشر با وجود این که قول داده بود کتاب را حداکثر دو ماهه چاپ و منتشر نماید ولی نه تنها نسبت به چاپ آن در مدت مذکور اقدام ننموده، بلکه بدون اطلاع مترجمان آن را به ویراستاران دیگری سپرده و پس از قریب یکسال و نه ماه آن را چاپ نموده است. ناشر مذکور قبل از چاپ حتی کتاب را برای تطبیق به مترجمان عودت نداده است و از این که در این فاصله چه بر سر ترجمه ما رفته و چه دستکاری‌هایی شده بی‌خبر ماندیم. در همین فاصله بود که کتاب تصوف چیست؟ مارتین لینگز با تغییر نام اصلی به صورت عرفان اسلامی چیست؟ توسط شخص دیگری (خانم راسخی) ترجمه و به چاپ رسیده است (اسفند ماه ۱۳۷۸). لذا این که منتقد محترم تصور کرده‌اند ترجمه کتاب تصوف چیست؟ توسط ما، یک ترجمه تکراری است و بعد از ترجمه کتاب عرفان اسلامی چیست؟ انجام شده، بی‌مورد و نادرست است.

۲- در مورد آنچه که خانم عروج‌نیا در ص ۸۱ کتاب پیدا کرده و چنان از این کشف خود شوق زده شدند که آن را به صورت تیتیر مقاله خود درآورده‌اند. (عبدالکریم جیلی و رمان انسان کامل!) باید گفت این اشتباه چاپی یا ویرایشی از کثرت بدهد، بی‌نیاز از توضیح و دلیل است و تردیدی نیست که این اشتباه در آن صفحه به‌طور قطع از حروفچین و ناشر یا ویراستاران منتخب ناشر بوده، زیرا اولاً هر مترجم مبتدی که اندکی با اصطلاحات و مبانی عرفان آشنا باشد می‌داند که کتاب عبدالکریم جیلی رمان نیست! و ثانیاً در دستنویس متن ترجمه که نزد مترجمان موجود است، انسان کامل به عنوان «رساله» معرفی شده نه رمان! ثالثاً در صفحه ۱۳۳ ترجمه ما، به کتاب «انسان کامل» و در پارواری همین صفحه «رساله انسان کامل» ذکر شده است و نه رمان، بنابراین مترجمین در چنین اشتباهی کوچک‌ترین سهمی نداشته‌اند.

اما بررسی و پاسخ به چند مورد از مواردی که ایشان به عنوان «ترجمه مغلوط و عاری از دقت و پیراستگی» برشمرده‌اند. در این بررسی، ما نیز به همان شماره‌گذاری و نشانه‌هایی که منتقد محترم برای

احتراماً در پاسخ به نقد ترجمه تصوف چیست؟ نوشته مارتین لینگز و ترجمه اینجانبان، که توسط منتقد محترم سرکار خانم عروج‌نیا نوشته شده و در کتاب ماه شماره ۴۵، تیرماه ۱۳۸۰ منتشر شده است، مطالبی به شرح زیر عرضه می‌گردد. خواهشمند است طبق قانون مطبوعات در اولین شماره نسبت به درج آن اقدام نمایند. موجب تشکر است.

منتقد محترم برای مقایسه ترجمه اینجانبان با ترجمه دیگری که از کتاب مارتین لینگز به فارسی انجام شده، و برای پیدا کردن آنچه اغلاط و بی‌دقتی و ناپیراستگی در ترجمه کتاب تصوف چیست؟ خواننده‌اند، وقت زیادی صرف نموده‌اند. مسلماً پاسخگویی به همه مطالب ایشان ضرورتی ندارد و از حوصله مترجمان نیز خارج است و فقط به بررسی و پاسخ چند مورد از انتقادات نامبرده بسنده می‌شود. اما قبل از آن، لازم است درباره دو نکته کلی که ایشان ذکر کرده‌اند، توضیح دهیم.

۱- ایشان در آغاز مقاله خویش عنوان نموده‌اند که زمانی ترجمه دوم از یک اثر لازم می‌آید که ترجمه اول مورد قبول نباشد و از دیدگاه خود، ترجمه خانم راسخی یعنی کتاب عرفان اسلامی چیست؟ را مطلوب دانسته و ترجمه دوم یعنی ترجمه ما را مردود اعلام نموده‌اند. البته ایشان در برگزیدن هریک از دو ترجمه آزادند، اما باید متذکر شویم که ایشان ظاهراً از کم و کیف ترجمه و انتشار کتاب تصوف چیست؟ اطلاعی نداشته‌اند. اگر کمی حوصله به خرج می‌دادند و قبل از نوشتن مقاله‌ای با این طول و تفصیل، با توجه به آشنایی دیرینه‌ای که با مترجمین داشتند از آنان چگونگی ترجمه و مشکلات سر راه را جویا می‌شدند، شاید بسیاری از شبهاتی که برای ایشان ایجاد شده برطرف می‌شد و زحمت نوشتن چنین انتقادنامه‌ای را به خود نمی‌دادند. جهت استحضار خوانندگان محترم باید توضیح دهیم که کتاب تصوف چیست؟ قبل از سال ۷۵ به‌طور کامل به وسیله ما ترجمه و در سال ۷۵ ویراستاری ادبی و در سال ۷۶

# پاسخ به نقد مقاله سرود یمگان

ماهانمۀ کتاب ماه از یک سو با طرح اندیشه‌های نو و پرمایه، و آوردن زندگان فرهنگ و ادب معاصر به درون خود، می‌رود که به گونه‌ی یکی از نشریات پرمضمون و تأثیرگذار سالهای اخیر درآید، و از سنوی دیگر با اختصاص دادن بخش عمده‌ای از حجم خود به برخی از نوشته‌های شتاب‌کارانه، ناپخته و ناآشنا با انصاف و عیار علمی نقد، آن هم به نام نقدنویسی، اندکی از وزن و وقار علمی خود را فرومی‌گاهد. از این رو برخی از خوانندگان این نشریه ارزشمند ناچار می‌شوند که از خیر مطالعه این بخش از نشریه درگذرند، و تنها به مرور گفت و گوها و برخی از مطالب آن بسنده کنند. من نیز با همه اعتباری که به این نشریه وزین می‌دهم، اما ماهها است که بخش نقد و بررسیهای آن را با یک تورق سرسری به کناری می‌گذارم. این بار نیز پس از آنکه گفت و گوی «ژیلبر لازار» و تفسیر عالمانه «حسن میرعبدینی»، داستان‌شناس برجسته معاصر را از نقد معاصر ایران در کنار نوشته کوتاه و گیرای استاد اندیشمندم «دکتر انزابی نژاد» و... خواندم، بی هیچ خبری از صفحات بعدی مجله آن را کنار گذاشتم تا آنکه، دو هفته‌ای بعد از آن، از طریق یکی از دوستان، به چاپ نقدی بر کتاب سرود یمداری در آن آگاه شدم، و بی هیچ درنکی، به امید آنکه نکته یا رهنمود تازه‌ای در باب این کتاب و مباحث آن بیابم، آن نوشته را خواندم، اما دریغ که آن را نیز، مانند نوشته دیگری که دو سال پیش درباره کتاب نقد شعر در ایران در همین نشریه چاپ شده بود؛ شتاب‌زده، سطحی و برکنار از «آداب» نقدنویسی یافتم، هر چند که این نوشته، برخلاف آن یکی، دست‌کم، «آداب» نقدنویسی را مراعات کرده بود.

البته سخن این نیست که نوشته من هیچ نقص و نکته‌ای ندارد، سخن این است که آنچه به نام نقد این کتاب در مجله کتاب ماه آمده است، مانند بسیاری از نقدهای این نشریه، از سر شتاب‌زدگی صورت گرفته، و در نتیجه متن آن از تناقض‌گویی و سطحی‌نگری و وارونه‌خوانی، و حتی وارونه‌نمایی تنیده شده است. این مقاله، در پذیرفتنی‌ترین قسمتهای آن، چیزی جز اختلاف سلیقه مقاله‌نویس با مباحث مطرح شده در سرود یمداری نیست؛ و البته این اختلاف سلیقه و ذوق نسبت به آثاری مثل سرود یمداری که با نگاهی دیگر

در دستنویس ما وجود ندارد و ظاهراً توسط فرد دیگری آن هم پس از تحویل نسخه دستنویس در آن اعمال شده است.

۱۲- نمونه شماره ۵۶: بین دو ترجمه اختلافی وجود ندارد. تعبیر «ظن کم» با فعل اخباری «وجود دارد»، چه فرقی دارد با «چندان شکی» با فعل نفی «نمی‌توان داشت»؟ هر دو در نتیجه یکی است!

۱۳- بالاخره در مورد نمونه شماره ۶۰: هرگز Cumulative به معنی «فزاینده» نیامده و ترجمه آن به «جمعی» به معنی واقعی آن نزدیک‌تر است، زیرا منظور آن است که جمیع علمای غرب محکوم کرده‌اند و نه به معنی فراوانی محکومیت توسط یکی دو نفر از علمای غرب.

در اینجا به بررسی و پاسخ به ۱۲ مورد از ۶۰ مورد!! فراوانی اغلاط ترجمه این کتاب (به زعم منتقد محترم) اکتفا می‌کنیم. اما یادآوری می‌کنیم که ایشان بسیاری از این ۶۰ مورد را بدون توجه به سیاق عبارت یا بدون درک معنای درست لغات و کلمات انتقاد کرده‌اند. برخی از خطاهای ترجمه ما که صحیح به نظر می‌رسد نیز یا خطای ویراستار است که خود منتقد محترم نیز پذیرفته‌اند - که بخشی از این اشکالات مربوط به ویراستاری است - یا این که از دید مترجمان مخفی مانده است. اصولاً در هر متنی که از زبان خارجی به فارسی برمی‌گردد، چنانچه با دقت و وسواس آمیز یا به قصد خرده‌گیری مورد بررسی قرار گیرد، صدها غلط و اشتباه از قبیل بعضی از آنچه که منتقد محترم عنوان نموده‌اند می‌توان پیدا کرد. کما این که حتی در ترجمه‌های قرآن مجید که به وسیله دانشمندان بنام انجام شده، غلطها و اشتباهاتی مشاهده می‌شود که در مقالات متعددی از جانب متخصصان به آنها اشاره شده است.

به هر حال، مترجمان از هرگونه انتقاد اصحاب فضل که با حسن نیت و با قصد علم‌پروری انجام شود استقبال می‌کنند و آن را نشانه توجه و اقبال ایشان به ترجمه ناچیز خود می‌شمرند، و در مورد نکته‌بینی‌ها و خرده‌گیری‌ها نیز می‌گوییم که ضعف الطالب و المطلوب!

در جمله موردنظر خود است، البته به شرط آن که به معنی اصلی لطمه‌ای نزنند و در جمله موردنظر نیز به قرینه این که نویسنده خودش کلمه Flows را به کار برده تا نحوه جریان یافتن وحی الهی از عالم معنی به عالم مادی را بشناساند مترجم ناچار از به کارگیری استعاره‌ای مانند جریان امواج دریاست تا منظور نویسنده بهتر بیان شود. پس می‌توان کلمه تجلی را به وحی (revelation) اضافه نمود، بدون این که به معنای اصلی کلام لطمه‌ای وارد آید؛ چرا که خداوند در مخلوقات خویش تجلی دارد و آفریده‌ای نیست که مظهر یک یا چند اسم او نباشد، پس وحی الهی نیز در عالم مادی به صورت گوناگون متجلی می‌شود، گاه به صورت امواج فکری، زمانی از طریق کلام آدمی و گاه به صورت آوای مرغان و... بهتر بود که منتقد محترم ابتدا با نحوه تجلی اسماء الهی آشنا می‌شدند، سپس دست به انتقاد می‌زدند!

۱- سره شماره ۶: اولاً معادل Ocean اقیانوس است و نه دریا که در ترجمه (ر) آمده است، ثانیاً بیکرانه صفت است و همیشه موصوف لازم دارد و بیکرانگی اسم مصدر است که گاه در مقام صفت قابل استعمال است. اما منظور از نامحدود نیز در اینجا صفت نیست، بلکه خداوند است و Infinitude یکی از اسماء اوست. لذا اقیانوس مضاف‌الیه و نامحدود مضاف است و نه صفت. احیاناً منتقد محترم معنای این جمله را به خوبی درک نکرده‌اند.

۸- نمونه شماره ۷: معنی Vocation کار و حرفه است و به کار گرفتن فن به جای آن غلط است ولی در نسخه دست‌نویس به صورت «فن و انضباط» (یا «و») بین آن دو) بوده که در حروف‌چینی از قلم افتاده است. همچنین کلمه شیوه سلوک در نسخه دست‌نویس ما وجود ندارد و معلوم نیست چه کسی یا کدام ویراستار آن را پس از تحویل به ناشر، به متن اضافه کرده است؟

۹- نمونه شماره ۸: ترجمه Its در دست‌نویس موجود است و در حروف‌چینی از قلم افتاده است.

۱۰- نمونه شماره ۱۳: هر دو ترجمه یکی است و فرقی با هم ندارند.

۱۱- نمونه شماره ۱۰: عبارت «چون گذرا و زمانمند است باید بهره‌ای از ذات ازلی داشته باشد» گویای تغییری است که در ویراستاری توسط ناشر انجام شده، و